



* سروده ای ماندگار از مینا اسدی

به جای کشت، کشاورز را درو کردند
به جای نان
به تساوی گلوله قسمت شد
توان کارگران را
دوباره ظلم خرید
دوباره زاغه نشینان
به زاغه برگشتند
دوباره طاهره ها
از گرسنگی مردند
دوباره راضیه بر فقر خویش
راضی شد.
شب، از عدالت خود قصه های کاذب ساخت
دوباره بر سر این خاک
دیو وحشت و مرگ
نشست و گفت:
که خرزهره بهتر از یاس است
سموم زرد خزان زد به جنگل انبوه.
دوباره بر نفس عاشقان آزادی
غیر دیو وزید و چراغ ها را کشت.
دوباره
ساده ترین حرف
تیر باران شد
دوباره
هر چه زمین بود گور یاران شد
دوباره
هر چه که رشتیم
پنبه شد در باد.
هلا! توان همه عاشقان در میهن
هلا! توان همه عاشقان در تبعید
دوباره می شود، آری
به باغ گل روپاند
دوباره می شود، آری
به دشت سبزه نشانند
دوباره می شود از خانه های شاد گذشت
دوباره می شود از کودکان
ترا نه شنید
دوباره می شود از عشق گفت و زیبا شد
دوباره می شود، آری
اگر به پیوندیم
به دیدگان بر از انتظار شب زدگان
دوباره می شود، آری
اگر کسته شود
شب سکوت و
شب ترس و یاس ما
یاران
هلا! توان همه عاشقان در تبعید
هلا! توان همه عاشقان در ایران.

سال هزار نهمصد و هشتاد و چهار استکهلم
بر گرفته از دفتر شعر "از میان گمشده ها"

<http://www.youtube.com/watch?v=4LcpyEGaBpM>